

اثر بخشی بحث گروهی بر خودپنداشت نوجوانان پسر دبیرستان های گناباد

مهدی مشکی* دکتر فضل ا... غفرانی پور** دکتر عباسعلی اللهیاری**

The Effectiveness of group discussion on the self-concept of high school boys in Gonabad

M. Moshki F. Ghofranipour A. Allahyari

Abstract

Background : *Self-concept is the most important characteristic of human beings Changes and decrease in self-concept necessitates a pattern for directing and forming of self-concept in teenage years.*

Objective : *To apply group debate-training to increase the self-concept of teenagers.*

Methods : *Through a two-stage simple clustered method , 34 students for the experimental group and 32 for the control group were selected from 2 high schools in Gonabad. The data was collected by Rogers self-concept test and personal identification questionnaire and training was performed through group discussion on problem-solving upon three identical batches from the experimental group. Immediately and after one month , self-concept scores were computed.*

Findings : *The findings indicated a significant difference between the two groups and also among the experimental group after the intervention ($P < 0.0001$). After first and second evaluations , the self-concept score of experimental group was 5.88 , 5.46 and control group 10.46 , 9.20 respectively indicating the positive effect of group discussion on the self-concept of high school students.*

Conclusion : *The efficeincy of group discussion through problem-solving and its constant effect on the increase of teenage self-concept was proven. A practical model for continuous training and follow-up is recommended.*

Keywords : *Group Discussion , Self-Concept , Teenagers*

چکیده

زمینه : از آنجا که خودپنداشت در سنین میانه نوجوانی معنای ویژه ای می یابد و دچار بیشترین دگرگونی و حتی ضعف می شود ، نوجوان نیازمند شکل گیری و جهت یابی در این خصوص است.

هدف : این مطالعه به منظور تعیین تأثیر آموزش به روش بحث گروهی بر خودپنداشت نوجوانان انجام شد.

مواد و روش ها : در این پژوهش ۳۴ نفر در گروه آزمون و ۳۲ نفر در گروه گواه از دو دبیرستان به روش خوشه ای ساده دو مرحله ای انتخاب شدند. گردآوری اطلاعات از طریق سیاهه خودپنداری را جرز و پرسش نامه مشخصات فردی بود. آموزش به شیوه بحث گروهی در زمینه مهارت مشکل گشایی برای گروه آزمون انجام پذیرفت. بلافاصله و پس از گذشت یک ماه از آخرین جلسه ، نمرات خود پنداره در هر دو گروه تعیین شد.

یافته ها : حاصل کار اختلاف معنی داری بین گروه آزمون و گواه و نیز درون گروه آزمون بعد از مداخله نشان داد ($P < 0/0001$). در برآوردهای اول و دوم ، نمره خودپنداشت گروه آزمون به ترتیب به ۵/۸۸ و ۵/۴۶ ولی در گروه گواه به ۱۰/۴۶ و ۹/۲۰ رسید ، به این معنی که اجرای شیوه بر روی نمونه ها تأثیر مثبت داشت و باعث افزایش خودپنداشت نوجوانان گروه آزمون شد.

نتیجه گیری : کارایی آموزش به روش بحث گروهی بر اساس مهارت مشکل گشایی بر ارتقاء خودپنداشت نوجوانان و پایداری اثر آن نیز به اثبات رسید. استمرار بیشتر ، نیازمند پیگیری و یادآوری است تا برای نوجوانان الگوی عملی گردد.

کلید واژه ها : بحث گروهی - خودپنداشت - نوجوان

□ مقدمه :

و «چرا من اینجا هستم؟». در این دوران احساس شدید درونی و بیچارگی شایع است و افتراق آن از بیماری روانی می‌تواند مشکل باشد. (۱۰)

بنابر این پیوستن به گروه، نوجوان را نسبت به خود مطمئن می‌سازد و در میان نوجوانانی که با آنان اشتراک فکری و احساسی دارد، آزادانه خود را مطرح می‌کند، ناراحتی‌ها را تسکین می‌دهد، تعارض‌ها را حل می‌کند و زمینه لازم برای پذیرش مسئولیت اجتماعی را در خود فراهم می‌سازد. (۱۱)

این مطالعه به منظور تعیین اثربخشی آموزش به روش بحث گروهی بر خودپنداشت نوجوانان، بدون در نظر گرفتن عوامل ایجادیی انجام شد.

□ مواد و روش‌ها :

در این تحقیق که در سال ۱۳۷۸ در گناباد انجام شد، ابتدا به روش خوشه‌ای ساده دو مرحله‌ای ۱۶۰ دانش‌آموز کلاس اول از دو دبیرستان پسرانه دولتی هم رشته به صورت تصادفی برگزیده شدند. آن‌گاه سیاهه خود پنداره راجرز (ابزار ارزش‌گذاری) در اختیار دانش‌آموزان ۱۵ و ۱۶ ساله این کلاس‌ها گذاشته شد و پس از بررسی‌های اولیه، تعداد ۳۴ نفر در گروه آزمون و ۳۲ نفر در گروه گواه (هر کدام از یک دبیرستان) قرار داده شدند. این عمل با توجه به دارا بودن نمرات هفت و بالاتر (خود پنداشت ضعیف) به گونه‌ای انجام شد که از هر نمره با کمترین تفاوت معنی‌دار در هر دو گروه وجود داشته باشد. این حجم نمونه بیش از ۷ درصد جمعیت دانش‌آموزی پایه اول حوزه شهری دبیرستان‌های پسرانه دولتی گناباد را در سال ۱۳۷۸ دربر می‌گرفت.

بحث گروهی شامل گفت و گو در باره یک موضوع، مسأله و پرسش معین توسط عده محدودی است که معمولاً بر نوعی نظم و روال در هدایت بحث توافق دارند. (۷) در گروه که خود «میدانی» است از افراد تشکیلی دهنده آن، «دینامیک» یا اثرگذاری و اثرپذیری‌های متقابل موجب حرکات، جابجایی‌ها، رفتارها و کردارهای افراد می‌شود و هیأت کلی یعنی ساخت و شکل قابل درک روابط و پیوستگی‌ها را تعیین می‌نماید. این تأثیر و تأثرات بر اساس حالت‌ها و خصوصیات فرد فرد اعضاء شکل و جهت می‌گیرند و هیأت کلی، شکل عمومی و روابط آنان را با یکدیگر به وجود می‌آورند. به طور خلاصه فرد بر جمع و جمع بر فرد اثر می‌گذارد. (۵)

یکی از اصول بهداشت روانی «خودشناسی» است. هر یک از افراد آدمی دارای امکانات، توانایی‌ها و محدودیت‌هایی است. کسانی که از نیروها و کاستی‌های خود آگاهند و با واقعیت‌های مربوط به خود و محیط بیشتر آشنایی دارند، کمتر گرفتار کج روی و انحراف می‌شوند. یکی از علائم سلامت روح این است که خود را چنانچه هستیم، بشناسیم و بپذیریم. (۲) از سویی، دوره‌های رشد دارای فراز و نشیب‌های متعددی است اما در این میان مرحله نوجوانی منحصر به فرد است. (۸)

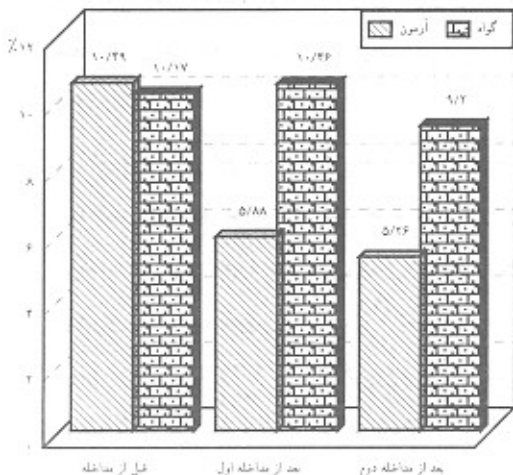
در نوجوانی هویت «خود» رشد می‌یابد و با توانایی شناختی جدیدی که پیدا می‌کند هویت خود را جستجو می‌کند. در این دوره نوجوان قبل از هرگونه تغییر ظاهری از درون تغییر می‌یابد. (۲) بسیاری در مرحله میانی نوجوانی (۱۵ تا ۱۶ سالگی) در مورد معنی زندگی فلسفه بافی می‌کنند و سردرگم می‌شوند؛ «من کیستم؟»

یافته‌ها :

با توجه به این که مهم‌ترین عامل همسان‌سازی نمره خود پنداره بود، ولی متغیرهای شغل مادر، تحصیلات، تعداد و رتبه فرزندی، زندگی با والدین، عدم بروز حوادث و وقایع خانوادگی، تفاهم والدین، رضایت از وضعیت اقتصادی، نوع سکونت و علاقه‌مندی به رشته تحصیلی نیز در دو گروه آزمون و گواه همگون و بدون تفاوت معنی‌دار بود. پس از اجرای برنامه آموزشی حاصل کار نشان داد که در سنجش‌های انجام شده (بلافاصله و پس از گذشت یک ماه) اختلاف معنی‌داری بین دو گروه وجود داشت. ($P < 0/0001$). در گروه آزمون تفاوت معنی‌داری بین قبل و بعد از مداخله در هر دو نوبت سنجش مشاهده شد ($P < 0/0001$)، اما این اختلاف در گروه گواه معنی‌دار نبود. بین سنجش اول و دوم پس از مداخله تفاوت معنی‌داری مشاهده نشد. از سوی دیگر بین مشخصات فردی و سؤالات باز پرسش‌نامه فردی با نمره‌های خود پنداشت نوجوانان ارتباط و تفاوت معنی‌داری دیده نشد (نمودارهای شماره ۱ و ۲).

نمودار ۱ :

میانگین نمره‌های خودپنداشت واحدهای مورد مطالعه



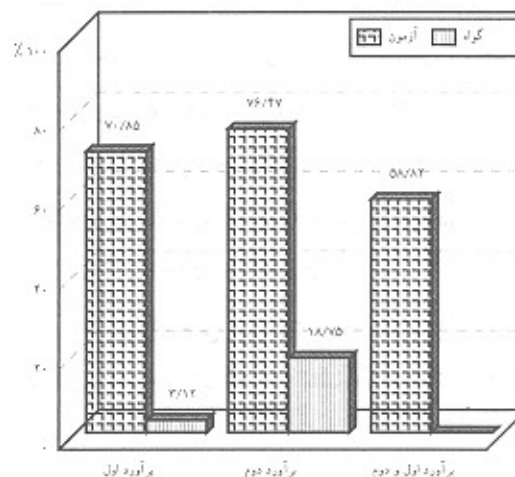
متغیرهای همگون شده شامل جنس، سن، رشته تحصیلی و نمره خود پنداشت جامعه مورد مطالعه بود. هیچ یک از نمونه‌ها دچار نقص عضو، حادثه، بیماری و یا رویداد خاصی در طی سه ماه پیش از مطالعه نبودند و حتی از ضعف خود پنداشت خویش نیز آگاهی نداشتند.

سپس به نوجوانان گروه آزمون، پرسش‌نامه‌ای شامل خصوصیات فردی و سؤالات باز در ارتباط با خود پنداری داده شد. آموزش به شیوه بحث‌گروهی در قالب مهارت حل مسأله به صورت برنامه‌ریزی شده، هدفمند و براساس الگوی تطابق یافته ثوریل و گلدفراید (۱۹۷۱) و با رعایت شرایط علمی و عملی تبادل افکار و تأثیر و تأثر متقابل افراد در سه دسته ۱۰ تا ۱۲ نفری در مدت ۵ تا ۶ جلسه ۴۰ دقیقه‌ای و به طور جداگانه برگزار شد. (۴ و ۷) این نوجوانان از خودپنداشت ضعیف یکدیگر مطلع نبودند، ولی اهداف پژوهش به طور غیرمستقیم و در قالب مهارت مشکل‌گشایی برای آنان ارائه شده بود. در طی این جلسات تکالیفی در جهت درک بهتر و شناخت بیشتر «خود» به نمونه‌ها ارائه شد تا در منزل و گروه به بحث و همفکری گذاشته شود و نوجوانان به حل مشکلات خویش نائل گردند.

پس از پایان برنامه آموزشی و اطمینان از درک شیوه توسط افراد مورد مطالعه، بلافاصله و بعد از گذشت یک ماه، مقیاس ارزش‌گذاری را جرز در هر دو گروه توزیع شد. نتایج با استفاده از آمار توصیفی و آزمون‌های کای دو، لامستقل و زوج‌ها، آنالیز واریانس یک طرفه و همبستگی مورد ارزیابی و مقایسه قرار گرفت.

نمودار ۲:

مقایسه خودپنداشت دوگروه مورد مطالعه پس از مداخله



بحث و نتیجه‌گیری:

پژوهش حاضر نشان‌گر اثربخشی مثبت و روشن‌گرانه شیوه بحث گروهی در چارچوب مهارت مشکل‌گشایی در جهت ارتقاء خود پنداشت و شناخت خویشتن در جامعه مورد مطالعه است. همچنین نتایج نشان داد که تعداد زیادی از نوجوانان پسرگناباد به ویژه در سنین میانه نوجوانی خود پنداشت ضعیف دارند و از وجود چنین مشکلی به طور واضح ناآگاهند. این مهم در تحقیقات و بررسی‌های انجام شده توسط محققان و صاحب‌نظران در جوامع دیگر نیز به اثبات رسیده است. (۹)

گفتنی است که مهارت حل مسأله در ارتباط با مشکلاتی از قبیل افسردگی، ناامیدی، خودکشی و بزهکاری نوجوانان ثمربخش بوده است. (۱۲) همچنین برای تسهیل آموزش رهبری به نوجوانان و پرورش حس همکاری میان کودکان دبستانی و کودکانی که کار رفته است. (۹)

یک تحقیق مقطعی در مکزیک نشان داد بحث گروهی به نحو مطلوبی می‌تواند در درمان و پیشگیری بیماری‌های پوستی به ویژه شپش سر کودکان کمتر از ۹ سال اثربخش باشد. (۱۵)

در پژوهشی دیگر در آمریکا اثربخشی بحث گروهی بر ارتقاء سطح کیفی اخلاق حرفه‌ای و شخصی دانشجویان پزشکی ارزیابی شد که حاکی از تأثیر مثبت این شیوه به صورت سه آزمون متوالی در مدت ۳ سال در نمونه‌ها (به خصوص دانشجویان دختر) بود. (۱۴)

کرافت و همکاران مطالعه زمینه‌ای در باره آموزش دانشجویان علوم پزشکی از طریق بحث گروهی در خصوص درمان دیابت ملیتوس انجام دادند که نشان‌دهنده تأثیر روش مذکور در درمان دیابت ملیتوس در پی فراگیری بهتر ۲۳ دانشجوی مورد نظر در قالب برگزاری کارگاه بود. (۱۳)

نتایج این پژوهش افزایش خود پنداشت تمام نمونه‌ها پس از مداخله را نشان داد به گونه‌ای که قریب به ۵۹ درصد نوجوانان مورد مطالعه در مجموع برآوردهای اول و دوم دارای نمره خود پنداشت کمتر از هفت شدند که به معنای برخورداری از خود پنداشت مثبت و بالاست. در صورتی که این حالت در گروه گواه در حدود ۱۲/۵ درصد بود.

نکته جالب دیگر این بود که اکثر افراد مورد مطالعه عقیده و نظر مردم، والدین و دوستان را در باره خودشان مطلوب و وضعیت اقتصادی، سکونت، روابط و تفاهم بین والدین را رضایت‌بخش عنوان کرده بودند. نوجوانان تأکید بر مذهب، اخلاق و تلاش را از رموز موفقیت برشمردند. دست آوردهای یاد شده

۵- ثریا سید مهدی. روش بحث و مذاکره (براساس مطالعه تأثیر و تأثر متقابل). چاپ دوم، تهران، انتشارات رشد، ۱۳۷۷: ۲۸-۱۷ و ۶۰-۵۲

۶- خلیلی شورینی سیاوش. روانشناسی نوجوانی. چاپ اول، تهران، نشر یادواره، ۱۳۷۷

۷- شادپور کامل. بحث گروهی، راهی برای مداخله دانشجوی در یادگیری. مجله آموزش مداوم در پزشکی، سال اول، ۲(۶): ۱۰ و ۹ و ۵

۸- شعاری نژاد علی اکبر. نقش فعالیت های فوق برنامه در تربیت نوجوانان. تهران، انتشارات پیام نور، ۱۳۷۱: ۱۴ و ۱۴۸

۹- گلد فراید ماروین آر، دیویسون جرالدهی. رفتار درمانی بالینی. ترجمه احمد احمدی علون آبادی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۱: ۲۱۹

۱۰- نلسون. رشد و نمو. ترجمه پروانه کریمزاده و سهیلا شهشهانی پور، تهران، انتشارات فکرت، ۱۳۷۶: ۱۰۳

11. Betz C , Hunsberger M, Wright S. Family - centered nursing care of children. Philadelphia , WB Saunders Co , 1994 , 510-5

12. D'zorilla T et al. Social problem solving deficits and hopelessness , depression and suicidal risk in college students and psychiatric inpatients . J Clin Psychol , 1998 Dec ; 54 (8) : 1091 - 7

13. Kraft SK et al. The socrates curriculum : an innovative integration of technology and theory in medical education. J Audiov

حاکی از ناآگاهی و عدم شناخت کافی نسبت به شخصیت و خصوصیات فردی و یا به عبارت بهتر نارسایی در خودشناسی نمونه هاست. از نکات قابل دقت سطح تحصیلات پایین اکثر مادران نمونه ها بود. با توجه به نقش اثرگذار مادر بر ساختار «خود» و پرورش شخصیت کودکان و نوجوانان طی دوران رشد و نمو می توان بر ارتباط عامل مذکور با ضعف خود پنداشت نوجوانان مورد مطالعه صحنه گذاشت. (۳) آنچه در حین برگزاری بحث و مذاکره گروهی مشاهده شد، نیاز نمونه ها به روشی پویا، هدفمند و بدیع در مسیر روشن گری، تأمل و تفکر بود تا ایشان را به سوی خودنگری، کند و کاو خویشتن و درک بهتر از خود سوق دهد.

▣ مراجع :

۱- احدی حسن، نیک چهار محسن. روانشناسی رشد (مفاهیم بنیادی در روان شناسی نوجوانی و جوانی). چاپ سوم، تهران، چاپ و نشر بنیاد، ۱۳۷۲: ۱۶۳

۲- ارسطویی ایرانی هاید. بررسی ارتباط خود پنداری، جنسیت و پیشرفت تحصیلی. پایان نامه کارشناسی ارشد تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش، تهران، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۲: ۳۲-۵۲

۳- اسلامی نسب علی. روانشناسی اعتماد به نفس.

چاپ اول، تهران، انتشارات مهرداد، ۱۳۷۳: ۵۴-۳۳

۴- پوپ الیس، مک هال سوزان، کرای هد ادوارد. افزایش احترام به خود در کودکان و نوجوانان. ترجمه پریسا تجلی. چاپ اول، تهران، انتشارات رشد،

۱۳۷۴: ۸۸-۷۱

Media Med 1997 Dec ; 20 (4) : 166-71

14. Self DJ et al. The amount of small group case study discussion needed to improve moral reasoning skills of medical students.

Acad Med 1998 May ; 73 (5) : 521-3

15. Paredes SS et al. Can school teachers improve the management and prevention of skin disease ?. *Int J Dermatol 1997 Nov ; 36 (11) : 826-30*